

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: بیست و هشتم - تابستان ۱۳۹۵

از صفحه ۷۵ تا ۸۲

راز و رمز تمثیل در اشعار نادرپور*

رسول علی پناهیان^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک - ایران

علی سرور یعقوبی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک - ایران

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تمثیل در اشعار نادر نادرپور شاعر حاضر فارسی است که بر گرفته از پایان‌نامه با عنوان بررسی ترفندهای بدیعی و بیانی در دیوان اشعار نادر نادرپور است که بخشی از این تحقیق به تمثیل اختصاص دارد، محقق سعی دارد با بر شمردن شاهد مثال‌های متعدد در دیوان نادر پور به نتایج دست یابد و اینکه نادرپور در اینجا از چه شیوه‌های تمثیلی بهره برده است؟ تمثیل در شعر او بر اساس نظریه‌های صاحب نظران در کدام یک از تمثیلات طبقه بندی شده قرار دارد؟ در این راستا به شیوه کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری اصطلاحات را جمع‌آوری و به طرز و شیوه توصیفی به نقد و تحلیل گفتمان‌ها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: تمثیل، ارسال المثل، مثل، شعر نادر پور

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۵

پست الکترونیکی نویسنده مسئول: panahiyan@gmail.com

مقدمه

بررسی اشعار نادر نادرپور از نظر استفاده شاعر از ترفندهای بیانی و بدیهی محقق را بر آن داشت که میزان استفاده شاعر از تمثیل را بر اساس این فرضیات و به طرز جداگانه بررسی نماید:

۱- نادر پور از چه شیوه‌های تمثیلی بهره برده است؟

۲- آیا شاعر توانسته است مانند حافظ و خاقانی تمثیل را در یک بیت نمایان سازد.

۳- آیا تمثیل به طور گسترده در اشعار نادرپور به چشم می‌خورد، سرانجام پژوهشگر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی به نقد و تحلیل اشعار نادر پور از این دیدگاه پرداخته است.

تمثیل به معنای مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی دیگر است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴) و نیز به معنای مثال آوردن، داستانی یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۱)

تمثیل در اصطلاح روایتی است به شعر یا نثر که مفهوم واقعی آن از طریق برگرداندن اشخاص و حوادث به صورت‌هایی غیر از آنچه در ظاهر دارند به دست آید.

تمثیل در اصطلاح علوم بلاغت و از دیدگاه علمای آن شاخه‌ای تشبیه و استعاره است که در علم بیان به آن پرداخته می‌شود. «تشبیه در اصل مانند کردن چیزی به چیزی دیگر است مانند: چهره او در زیبایی مثل ماه است» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۵۹)

استعاره: در لغت: اگر یکی از دو رکن اصلی تشبیه به تنهایی به کار رود و هر دو در ذهن اراده شوند استعاره ایجاد شود. (همان، ۱۶۱)

نظر شمس قیس رازی درباره تمثیل

شمس نیز تمثیل را از جمله استعارات دانسته است «الا آن که این نوع استعارتی است که به طریق مثال، چون شاعر خواهد به معنی اشاراتی کند لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر می‌کند خوش‌تر از استعارات مجرد باشد» (شمس قیس، ۱۳۷۴: ۳۴۰)

مثل:

در اصطلاح ادبی «مثل نوع خاصی است که آن را به فارسی داستان (دستان) می گویند و در فارسی میان دو مثل و افسانه مشترک است. (دهخدا)

مثل و تمثیل

به نظر بدیع الزمان فروزانفر مثل با تمثیل یکی است «اما لازم نیست هر تمثیل مثل باشد، زیرا مثل، آن کلام یا تعبیری است که برای بیان مطلق یا اثبات کلامی به کار می رود ولی لازمه اش این نیست که متضمن تشبیه باشد.

با این معنا که شاعر «مثل سایر، مشتمل بر صفت تمثیلی که بین عامه مردم که اکثریت یک قوم را تشکیل می دهند شایع و رایج باشد جزو امثال سایر محسوب می شود. (شمس قیس، ۱۳۷۰: ۲۸۰).

انواع تمثیل در ادبیات فارسی

- ۱- آوردن مثل یا تمثیل که مشبه به محسوس مرکب و اصل است.
- ۲- رمز یا سمبل که معمولاً در داستان‌هایی که شخصیت‌ها در قالب حیوانات هستند مثل قابل (Fable) که حاوی نکات اخلاقی یا نصایح می باشند مانند کلیله و دمنه که هر حیوان ممثل تیپ یا طبقه‌ای از شخصیت مردم در جامعه می باشد.
- ۳- پارابل (parable) که شخصیت‌ها تفاوتشان با نوع قبل در این است که بیشتر انسانی هستند و امکان اتفاق افتادن این حوادث برای دیگر نیز محقق الوقوع است و رمز که در اشعار عرفانی مثلاً هر چیزی می تواند رمز از چیز دیگر باشد مثلاً سلیمان رمز از خدا است که در داستان‌های مثنوی آمده است گاهی برخی شاعران با توجه به مهارت در گویندگی تمثیل را در یک مصرع بیان می کنند یا در یک بیت، که نمونه عالی آن را در تمثیلات حافظ و خاقانی می بینیم و گاه در دو بیت آورده می شود یا تمثیل به شیوه‌ای گسترده که ضمن یک داستان آورده می شود مثلاً داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولوی. (حسینی کازرونی، احمد، فصل

نامه تحقیقات تمثیلی، ۱۳:۱۳۹۴) با دخل و تصرف.

آرام و پر غرور به سویش روان شدی چون یونسی که در دل ماهی فرو خزید
(۱۷۶/۱۲)

شاعر پنهان شدن دختر خیالی جام و از نظر محور شدن، آن را به این صورت بیان کرده است که مشبه آرام و پر غرور به سویش روان شدی مرکب است یعنی یک فرایند را به صورتی تابلو وار تصویر می‌کند چون یونسی که در دل ماهی فرو خزید مشبه به است که به صویت مثل یا حکایت است و حسی است در اینجا می‌توان گفت مصرع دوم تمثیلی است مرکب و محسوس که برای اثبات مشبه در مصرع اول به کار رفته است.

رسد عطر خیال انگیز صحرا به کنه خاطرات ره‌گذاران
مکان گیرد در آن گنجینه راز چو در گنج نهران، انبوه ماران
(۶۷،۱۱)

شاعر در این شعر شب در کشتزاران تلاش کرده که با ایجاد جلوه‌های عاطفی و بصری شعر را همچون تابلویی پیش چشم خواننده مجسم کند در این بیت بالا می‌توان گفت عطر خیال انگیز صحرا در گنجینه راز یعنی خاطره عابران مشبه است و گنج نهران در میان انبوه ماران مشبه به آن است و بوی خوش صحرا که در یاد و خاطره ره‌گذاران می‌ماند مانند گنجی پنهان شده است که مارها در اطراف آن هستند مشبه به صورت ارسال المثل است.

در مثال دیگر، نادرپور تلاش کرده است با بهره‌گیری از مشبه به تمثیلی یعنی با ذکر حکایتی به وسیله مشبه عقلی و مشبه به که به صورت حکایتی حسی است تصویری را پیش روی خواننده مجسم کند در این شعر که سراسر تصویر آفرینی است و مانند تابلویی مصور است شاعر در تشبیه راه یافتن به قلب معشوق می‌گوید.

و ان نقب که ره به سینه او داشت چون راه نهران گنج قارون بود.
(۲۹۸/۳)

مسیری که به دل معشوق راه داشت مشبه عقلی است.

راه پنهانی که گنج قارون را داشت مشبه به است که به صورت ذکر حکایتی حسی آمده است. که به صورت تمثیل است. از نظر علمای بلاغت تمثیل یعنی «تشبیه معقولی به محسوس مرکب و با تشبیه تمثیلی و با ارسال المثل معمولاً یکسان و برابر است چنان که در کتاب بیان هم آمده است که (معمولاً تشبیه تمثیلی، تمثیل و ارسال المثل را به یک نحو تلقی می‌کنند، چنان که می‌گویند اساس سبک هندی بر تمثیل است):» (شمیسا، بیان: ۱۰۷)

مرا سایه شوم نفرینی از پی روان است چون گربه‌ای در غروبی

(۳۷۷/۵)

می‌توان گفت این بیت شامل الگوی زیر می‌شود تمثیل یعنی تشبیه معقول به محسوس مرکب: مثل‌ها که در میان مردم رواج پیدا کرده‌اند و تبدیل به ضرب المثل شده‌اند مشبه در این جا به صورت مرکب و معقول است: سایه شوم نفرینی که در پی روان است. مشبه به صورت باور مثلی قدیمی و محسوس است: دیدن گربه‌ای هنگام در غروب آفتاب، شوم به شمار می‌رفته است.

الفاظ رنگینم که از خون غضب خالی است چون جلد ماران، خوش خط و خال است

(۷۴۴/۳)

کلمات رنگین شاعر که هیچ عاطفه‌ای را با خود ندارند مشبه مرکب است در مصرع اول و آن کلمات مانند ماری خوش خط و خال و گول زنده هستند که مشبه به مرکب در مصرع دوم به حساب می‌آید مار خوش خط و خال که به صورت ضرب المثل در آمده است در این بیت توسط شاعر به صورت ارسال المثل به کار رفته است شاعر توانسته است با توجه به الگویی که در آثار شاعران ادب فارسی به جا مانده و نشان می‌دهد که تمثیل در ۳ نوع خود را نشان داده است:

۱- تمثیلاتی که در یک مصرع یا یک بیت بیان شده که بهترین نمونه‌اش را در تمثیلات خاقانی و حافظ قابل مشاهده است.

۲- تمثیلاتی که در دو بیت ظاهر شده است مانند تمثیل معروف (ترک کشی ایلاقی)
۳- تمثیلات گسترده‌ای که نمونه بارزش، داستان طوطی (سمبل روح سرگردان انسانی) و بازرگان (سمبل جلال الدین محمد مولوی) است (فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، مقاله تمثیل و ادبیات تمثیلی، سید احمد حسینی کازرونی، ص ۱۳، شماره پیاپی بیست و سوم، بهار ۱۳۹۴) می‌توان گفت که نادر پور توانسته است بر اساس الگوی شماره یک عمل یک عمل کند و تمثیل را در یک بیت ظاهر نماید.

سرکرده در برف غبار آلود پیری
آموخته از کبک رسم سر به زیری

(۵۶۷/۱)

شاعر با استفاده از تشبیه و تمثیل توانسته است به تصویر آفرینی در باب پیری پردازد موضوعی که شاعران بسیاری درباره آن سخن گفته‌اند.

شاعر موهای سفید را مانند برفی که مثل گردی بر سر نشسته است دیده از دیدگاه شاعر شخص پیر سرش را مانند کبک زیر برف پنهان کرده است یا مثل کبک سرش را زیر برف برده ضرب المثلی است که مشبه به محسوس مرکب در این بیت است. مشبه مرکب: سرش در غبار پیری پنهان شده است.

آسمان تیره را در لابه لای کهکشان روشن دیدم
آب بود آیا که زیر کاه پنهان بود

(۶۱۹/۱)

مصرع اول مشبه مرکب است: آسمان تیره در لابه لای کهکشان روشن
مصرع دوم مشبه به مرکب: آب زیر کاه بودن که ضرب المثلی است و مشبه به مرکب محسوس است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق بر اساس طبقه بندی که اساتید صاحب فن از انواع تمثیل دانسته‌اند می‌توان

گفت که نادر پور از دو نوع از تمثیل که در ادبیات فارسی سابقه دارد بهره برده است.

۱- تمثیل به صورت تشبیه معقول به محسوس مرکب: برای مثال

مرا سایه شوم نفرینی از پی روان است چون گربه‌ای در غروبی
(۳۷۷/۵)

وان نقب که ره به سینه او داشت چون راه نهان گنج قارون بود
(۲۹۸/۳)

آرام و پر غرور به سویش روان شدی چون یونسی که در دل ماهی فرو خزید
(۱۷۶/۱۲)

۲- تمثیل به صورت گسترده در اشعار نادر پور وجود ندارند.

۳- شاعر توانست است برخی از تمثیلات را در یک بیت به ظهور برساند مانند:

الفاظ رنگینم که از خون عصب خالی است چون جلد ماران، خوش خط و خال است
(۷۴۴/۳)

و برخی از تمثیلات در دو بیت به ظهور رسیده‌اند مانند:

رسد عطر خیال انگیز صحرا به کنه خاطرات ره‌گذاران
مکان گیرد در آن گنجینه راز چون در گنج نهان، انبوه ماران
(۶۷/۱۱)

منابع و مأخذ

۱. حسینی کازرونی، احمد (۱۳۹۴)، تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، ش ۲۳: ۱۳- بوشهر- دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
۲. حسینی کازرونی، احمد (۱۳۹۴)، داستان طوطی و بازرگان، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی: ۱۳- بوشهر- دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ۴، تهران، مؤسسه لغت نامه.

۴. رازی، شمس قیس (۱۳۷۴) *المجمع فی معاییر اشعار العم*، تهران: بی نا
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰)، *معانی و بیان*، تهران: انتشارات فردوس.
۶. معین، محمد (۱۳۷۱): *فرهنگ فارسی ۶ جلدی*، تهران: امیرکبیر
۷. مولوی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۷۳)، *مثنوی*، تصحیح نیکلسن، تهران: امیرکبیر

